

عوامل و موانع برکت از دیدگاه آیات و روایات

مهلا امیری^۱

چکیده

برکت رشد و نمو و زیاد شدن است و منظور از آن خیر خداوند در چیزی است. شناخت عوامل و موانع برکت سبب روشننگری ذهنی و رسیدن به سعادت می شود که خود اهمیت موضوع را می رساند ضرورت آن در زندگی فردی و اجتماعی مردم و مشکلات روحی و روانی می باشد، ریشه برکت به خود انسان و نحوه زندگی او در دنیا باز می گردد که از اهمیت زیادی برخوردار است. برکت واقعی در وجود خود انسان، رفتار و کردار اوست. رفتار غلط انسان، برکت از زندگی می برد. اگر اعمال بندگان بر اساس معیارهای الهی شکل گیرد رضایت خداوند را به همراه خواهد داشت و برکت های بی پایان نصیب شان خواهد شد، در برکت جنبه الهی بسیار تاثیرگذار است و این به فزونی نعمت کمک می کند و انسان را به سلامت دنیوی و سعادت اخروی نزدیک می سازد. شناخت عوامل و موانع برکت سبب روشننگری ذهنی و سبب ماندگاری و پایداری آن می گردد که خود اهمیت موضوع را می رساند و اگر به آن بی توجهی شود ارزش، پایداری و ماندگاری برکت از بین خواهد رفت و زندگی انسان را فلج خواهد کرد. روش تحقیق کتابخانه ای است و مطالب به شیوه توصیفی تحلیلی عرضه می گردد و مشخص می باشد آن چه در همه وجوه زندگی راه گشاست و موجب رشد و تعالی می گردد، شناخت ارزش های اعتقادی و اخلاقی در به وجود آمدن برکت است. شناخت برکت از فرد اسرافکار، انسان قانع، از بخیل سخاوتمند، از فقیر ثروتمند و از خود خواه، انسانی خداپرست می سازد پس شناخت ارزش ها و ضد ارزش ها سهم بسزایی در ایجاد برکت در زندگی انسان ها دارد.

کلید واژه ها: برکت، عوامل، موانع، قرآن، روایات.

^۱ طلبه سطح ۲ حوزه علمیه فاطمیه (س) شهر بردسیر

مقدمه

مشاهده می‌شود که نوع پیشرفت انسان‌ها، با وجود امکانات همسان، با یکدیگر مختلف است. به این صورت که، شخصی با عمر کوتاه خود، خدمات ارزنده‌ای به جامعه ارائه می‌دهد و در زمینه‌های مختلف- با انجام تحقیقات علمی- گره از کارهای بزرگ می‌گشاید و از مجهولات جامعه می‌کاهد، در حالی که دیگری نمی‌تواند چنین کند. درمورد رزق و روزی نیز این امر به صراحت دیده شده که برخی افراد با درآمد‌های اندک، از زندگی بابرکتی برخوردارند؛ ولی عده‌ای با سرمایه‌های فراوان، اظهار می‌کنند که در زندگی شان برکت ندارند. این جاست که انسان با بصیرت کافی، به این نکته می‌رسد که اسباب برکت در این جهان فقط محدود به مادیات و امور حسی نیست؛ بلکه در پس این مادیات، امور معنوی سهم بسزایی در ایجاد برکت در زندگی انسان‌ها دارند. پژوهش پیش رو با عنوان "عوامل و موانع برکت در قرآن و روایات" به بررسی جنبه‌های مختلف "برکت" در آیات قرآن و روایات معصومین (ع) می‌پردازد. برکت از مهم‌ترین مسائل فرهنگی بشری است که همه انسان‌ها، با هر عقیده و اندیشه دینی، خواستار وجود آن در زندگی خود بوده و پیوسته در پی رفع موانع پیش روی آن و زمینه‌سازی تحقق آن هستند. از سوی دیگر، هدف دین مبین اسلام، رساندن برکت به انسان‌ها و فراهم نمودن شرایط حصول آن و رفع موانع آن‌ها است. به همین جهت در تحلیلی که صورت گرفته است، شاهد استعمال مکرر برکت و مشتقات آن در آیات نورانی قرآن کریم و روایات روشنگر معصومین (ع) در زمینه‌های مختلف اعتقادی و اخلاقی و عملی و اجتماعی و ... بودیم. این موضوع ما را بر آن داشت تا با بررسی پیرامون واژه "برکت" در تفاسیر و کتب معتبر روایی بتوانیم تحقیقی در حد توان، جهت آشنایی هر چه بیشتر با جنبه‌های مختلف این موضوع مهم (اسباب و مصادیق و موانع آن) ارائه دهیم. لازم به ذکر است که همه آن‌چه در زمین و آسمان در اختیار انسان‌ها قرار دارد، دارای برکت هستند. و اگر در متون اسلامی، به برخی از موارد- کعبه، انبیاء، سرزمین‌های خاص و...- به عنوان مصادیق و کارهای بابرکت اشاره شده، بدان معنی نیست که سایر موارد برکت ندارند؛ بلکه از آن جهت است که این موارد از برکت بیشتری برخوردار هستند. هم چنین همان گونه که عواملی چون: تقوا، نیکی به پدر و مادر، نماز، امانت‌داری، صله رحم، صبر، انفاق، صداقت، عدالت و... در به وجود آمدن برکت موثرند، در مقابل، موانعی چون: انجام اعمال ناشایست، تکذیب انبیاء، دروغگویی، عدم

پرداخت زکات، بخل، سبک شمردن نماز، کفران نعمت و ... نیز در از بین رفتن برکت نقش بسیار مهمی دارند. بنابراین می توان گفت، همان گونه که ارزش های اعتقادی و اخلاقی در به وجود آمدن برکت موثرند، ضد ارزش ها نیز در از بین بردن برکت، نقش بسیار مهمی دارند. پس باید آن ها را شناخت و از آن ها دوری کرد تا گرفتار عواقب دشواری ها نشویم و با اعمال خود برکت را از زندگی نبریم.

الف- مفهوم شناسی

۱- برکت

واژه «برکت» از ریشه «برک» به معنای ثبات و دوام است، از این رو، خیر و خوبی فراوان و بادوام، برکت نامیده می شود. ابن فارس، در این باره آورده است: الْبَاءُ وَالرَّاءُ وَالْكَافُ أَصْلٌ وَاحِدٌ، وَهُوَ ثَبَاتُ الشَّيْءِ، ثُمَّ يَتَفَرَّغُ فُرُوعًا يُقَارِبُ بَعْضُهَا بَعْضًا؛ بَاء و راء و کاف، یک معنای اصلی دارد و آن ثبات داشتن چیزی است، سپس، معانی دیگری - که به هم نزدیکند - از آن برگرفته شده است. ابن منظور می گوید: برکت، یعنی رشد و افزایش، و «تبریک»، دعای برکت خواستن برای انسان و غیر اوست... و «بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ»^۱، یعنی: آنچه از کرامت و شرافت که بر محمد و خاندان محمد داده ای، برای او و خاندانش ثابت و ماندگار بدار...، زَجَّاج، گفته است: «تَبَارَكَ»، بر اساس سخن اهل لغت، صیغه تَفَاعُلٍ کلمه برکت است... و ابن عباس، روایت کرده است که: معنای برکت، فراوانی در هر خیری است، خیر (خوبی)، اگر با دو ویژگی همراه باشد، برکت نامیده می شود: یکی، کثرت و فراوانی؛ و دیگری، ثبات و دوام، برای مثال، نسل بابرکت، به معنای کثرت و دوام فرزندان نیک سیرت است، یا عمر بابرکت، زندگی همراه با خیر فراوانی است که آثار آن، پایدار می ماند. کلمه «برکت»^۲، در قرآن و حدیث، دقیقاً در همان معنای لغوی، یعنی خیر فراوان و بادوام به کار رفته است، در قرآن، این کلمه و مشتقات آن، سی و سه بار در باره آفریدگار جهان، قرآن، فرشتگان، انبیا، انسان، آسمان، زمین، کعبه، آب باران و... به کار رفته است، مفسران

۱ الرازی، معجم مقاییس اللغة: ج ۱ ص ۲۲۷ ماده برک.

۲ ابن منظور، لسان العرب: ج ۱۰ ص ۳۹۵ - ۳۹۶ ماده برک.

۳ ابن عاشور، تفسیرالتحریر و التنویر، ج ۲۲-۲۴، جزء ۲۴، ص ۲۴.

برکت را به معنای خیر نافع و امری غیر محسوس و اعمّ از مادّی و معنوی می‌دانند و بین آن و نظام جاری اسباب و مسببات منافاتی نمی‌بینند، چنان‌که معتقدند برکت، امری نسبی است و در هر چیزی به حسب هدفی است که در آن نهفته است.^۱

واژه برکت از ریشه «ب - ر - ک» است.^۲ که به سه معنای اصلی «سینه شتر»^۳، «ثبات»^۴ و «فزونی»^۵ دانسته شده است، گرچه راغب معنای اولیه را «سینه شتر» و معنای دیگر را از استعمال‌های بعدی شمرده، واژه برکت را به معنای ثبوت خیر الهی در امور، مشتق از «برکه» به معنای جایگاه استقرار و ثبات آب می‌داند.^۶ بعضی برکت را زیاد شدن از خاستگاهی نامحسوس دانسته و به این صورت بین «برکت یافتن» و «زیاد. شدن» تفاوت قائل شده‌اند.^۷

ب- برکت در منابع مختلف

۱- برکت از دیدگاه آرتور جفری

آرتور جفری رئیس و استاد دانشکده زبان‌های خاورمیانه و خاور نزدیک در دانشگاه کلمبیا اصل این واژه را عربی نمی‌داند و معتقد است فعل «برک» که برای زانو زدن به ویژه زانو زدن شتر به کار می‌رود مشترک بین همه زبانهای سامی است و پس از رواج زبان‌های سامی شمالی، این ریشه، معنای برکت دادن پیدا کرده و از آن‌جا به ناحیه زبانهای سامی جنوبی رسیده است و به این ترتیب در زبان‌های عبری، فنیقی، آرامی، پالمیری (تدمری)، سبایی، حبشی و عربی معنایی نزدیک به هم یافته است.^۸ به هر روی معنای متداول برکت را شامل فیض، فضل، خیر و فزونی مادی یا معنوی دانسته‌اند.^۹

۱ طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۲۸۰-۲۸۲.

۲ عطار، الصحاح، ج ۴، ص ۱۵۷۴، «برک».

۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

۴ الرازی، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۲۷.

۵ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۵۷.

۶ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۱۹، «برک».

۷ عسکری، الفروق اللغویه، ص ۹۶.

۸ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۱۹۱۲۰.

۹ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۵۹، «برک».

۲- برکت در کتاب مقدس

برکت از مفاهیمی است که در کتاب مقدس هم کاربرد زیادی دارد. در این کاربردها از اعطای برکت خداوند به پیامبران و از سوی پیامبران و کاهنان به دیگران سخن رفته است.^۱

۳- برکت در اصطلاح قرآنی

برکت متناسب با معنای لغوی آن، در اصطلاح قرآنی و دینی به معنای پدید آمدن خیر الهی در کارها.^۲

و از پربسامدترین اصطلاحات در شاخه های فرهنگ اسلامی است.^۳

واژه «برکت» در قرآن نیامده؛ اما مشتقات «برک» در مجموع ۳۲ بار در قرآن آمده است: «برکات» (جمع برکت) سه مرتبه، «مبارک» ۱۲ بار «بارکنا» ۶ مورد، «تبارک» ۹ مرتبه، «بارک» و «بورک»

در مجموع این آیات، هر جا واژه «تبارک» آمده است، بر ثبوت برکت در ذات خداوند دلالت دارد. و آیات دیگر، بر مبارک بودن قرآن گواهی می دهد.^۴ برخی پیامبران^۵، بعضی زمان ها^۶ و مکان ها^۷ و برخی نعمت های خداوند در طبیعت^۸ و سلام.^۹

۴- برکت در عرفان اسلامی

^۱ طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۲۸۲.

^۲ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۴.

^۳ طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۲۸۱.

^۴ سوره انعام، آیه ۶۹۲.

^۵ سوره مریم، آیه ۳۱.

^۶ سوره دخان، آیه ۳.

^۷ سوره آل عمران، آیه ۹۶.

^۸ سوره نور، آیه ۳۵.

^۹ همان، ۴۱.

نهی از منکر می کنند و وضعشان خوب است اما اگر این گونه کارها را ترک کنند، برکت از میان آنها برداشته می شود و برخی از آنها بر دیگری تسلط [و برتری] خواهد یافت»^۱

۱۳- نیت های آلوده

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «عِنْدَ فَسَادِ النِّيَّةِ تَرْفَعُ الْبَرَكَةُ؛ وقتی نیتها، ناپاک و آلوده شوند، برکت ها از بین می روند.»^۲

۱۴- عمل منافی عفت

امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «إِيَّاكَ وَالزَّيْنَةَ فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الْبَرَكَةَ وَيَذْهَبُ بِالْدِّينِ؛ از زنا بپرهیزید که برکت را نابود و دین را از بین می برد»^۳

۱۵- جنایت

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «إِذَا ظَهَرَتِ الْجَنَايَاتُ ارْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ؛ زمانی که جنایت ها آشکار شود، برکت ها هم از بین می روند»^۴

۱۶- کوتاهی در قبال برادران دینی

رسول خدا (صل الله علیه و آله) فرمود: «مَنْ حَبَسَ عَنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئاً مِنْ حَقِّ حَرَمِ اللَّهِ عَلَيْهِ بَرَكَةُ الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ؛ کسی که حق برادر مسلمان خود را ندهد، خداوند، برکت را از روزی [او] برمی دارد، مگر اینکه توبه [و آن را جبران] کند»^۵

۱ شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۲.

۲ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۴۲۰.

۳ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۴۲.

۴ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۵۷.

۵ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۵۷.

۱۷- خوردن غذای داغ

نقل شده است که پیامبر (صل الله علیه و آله) می‌خواست غذایی را میل کند. وقتی دست برد و متوجه شد که غذا داغ است، فرمود: «دَعُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ فَإِنَّهُ أَكْثَرُ بَرَكَهً؛ بگذارید تا غذا خنک شود که برکت بیش‌تری به همراه خواهد داشت»^۱

البته منظور از اینکه داغ نخورند این است که صبر کنند تا غذا خودش خنک شود؛ و گر نه فوت کردن غذا، خود یکی از عوامل بی‌برکتی است که در روایات به آن اشاره شده است.

۱۸- خشم و غضب خداوند

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا غَضِبَ عَلَى أُمَّةٍ ثُمَّ لَمْ يَنْزِلْ بِهَا الْعَذَابَ أَعْلَى أَسْعَارَهَا وَ قَصَّرَ أَعْمَارَهَا وَلَمْ تُرَبِّحْ تِجَارَتُهَا وَلَمْ تَغْزُرْ أَنْهَارُهَا؛ وقتی خداوند بر امتی خشم و غضب کند و نخواهد که بر آنها عذاب فرو فرستد، قیمتها را در آن جامعه بالا می‌برد، عمرها را کوتاه می‌کند و کاسبهایش نفع نمی‌برند و نه‌رها و چشمه‌هایش جوشان نخواهد شد»^۲

۱۹- دشنام دادن

امام باقر (علیه السلام) فرموده است: «مَنْ فَحَشَ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ وَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ؛ کسی که به برادر مسلمان خود دشنام دهد، خداوند برکت را از روزی او برمی‌دارد و او را به خودش واگذار می‌کند و زندگی‌اش را تباه می‌سازد»^۳

بنا به بررسی‌های انجام شده در آیات و روایات عوامل بی‌برکتی در زندگی که نوزده مورد آن بیان شد می‌توان گفت توجه به این علل می‌تواند از بی‌برکتی در زندگی پیشگیری نماید.

۱- انراقی، مستند الشیعه، ۱۴۵۱ ق، ج ۱۵، ص ۲۶۲.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۵۴.

۳- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۲۵.

نتیجه گیری

از مجموعه مطالب مطرح شده به این نتیجه می‌رسیم که: از منظر قرآن کریم و روایات، برکت به معنای پدید آمدن خیر الهی در کارها می‌باشد و برکت انواعی دارد. که از انواع برکت میتوان به برکت در زندگی برکت در عمر، برکت در رزق و غیره را میتوان نام برد. همچنین عواملی وجود دارد که ائمه اطهار، مومنین را از این کارها نهی کرده اند چرا که موجب بی برکتی در زندگی می‌باشد که از جمله آن ها میتوان به امر به معروف و نهی از منکر نکردن، جنایت، عمل منافی عفت، نیت آلوده، غضب خداوند و کوتاهی در قبال برادران دینی را نام برد. که مومنین باید با در نظر گرفتن عوامل جلب برکت در زندگی و مال و اولاد و دوری از عوامل بی برکتی، راه سعادت را برای خود و خویشان ایشان هموار کنند.

منابع و مآخذ

* قرآن

۲. آمدی تمیمی، عبد الواحد؛ غررالحکم ودررالحکم، تحقیق سید جمال الدین ارموی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات سیروس، ۱۳۳۶.
۴. ابن منظور، محمد، لسان العرب، ناشر: دار بیروت، ۱۳۷۵.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، قاهره، مطبعه عیسی بابی حلبی، ۱۳۸۴ق، چاپ اول.
۶. الرازی، أبو الحسین، معجم مقاییس اللغة، الناشر: دار الفكر، ۱۳۹۹.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، اسماعیلیان، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۰.
۸. عطار، احمد عبدالغفور، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، ناشر: دار العلم للملایین، بیروت، لبنان، ۱۴۰۴.

٩. مصطفى، حسين، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ناشر: مركز نشر آثار علامه مصطفى، تهران - ايران، ١٣٨٥.
١٠. راغب اصفهاني، حسين، المفردات في غريب القرآن، ناشر: صادق، ١٣٨٧.
١١. عسكري، عبدالله، الفروق اللغويه، ناشر: الجماعه المدرسين بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامي، ١٣٩٠.
١٢. محيي الدين ابن عربي، الفتوحات المكيه، ناشر: مولي، ١٣٩٦.
١٣. طوسي، حسين، التبيان في تفسير القرآن، ناشر: آل البيت (ع)، ١٣٨٩.
١٤. شيخ صدوق، ابوجعفر محمد، من لا يحضره الفقيه، ناشر: قم، ١٤١٣.
١٥. مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ناشر: دارالكتب الاسلاميه، ١٣١٥.
١٦. محمدي ري شهري، محمد، ميزان الحكمه، ناشر: دارالحديث، ١٣٨٤.
١٧. علاء الدين علي متقي هندی، كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٢٤ق.
١٨. كليني، محمد، الكافي، ناشر: دارالحديث، ١٣٦٣.
١٩. بخاري، محمد، صحيح البخاري، ناشر: جمهوريه مصر العربيه، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه، ١٤١٠.
٢٠. ابن حنبل، احمد، مسند ابن حنبل، ناشر: مؤسسه الرساله، ١٤١٦.
٢١. مشكيني اردبيلي، علي، المواعظ العدديه، ناشر: موسسه علمي فرهنگي دارالحديث، ١٣٩٢.
٢٢. شيخ طوسي، محمد، تهذيب الاحكام، ناشر: دار التعارف للمطبوعات، ١٣٧٨.
٢٣. شعيري، محمد، جامع الأخبار، ناشر: المطبعة الحيدريه، ١٣٦٣.
٢٤. ابن بابويه، محمد، علل الشرائع، ناشر: المكتبه الحيدريه، ١٣٨٣.
٢٥. آل كاشف الغطاء، محمد حسين، الفردوس الاعلى، ناشر: دارانوارالهدى، بي تا.
٢٦. شيخ صدوق، ابوجعفر محمد، الخصال، ناشر: جامعه مدرسين، ١٢٦٢.
٢٧. ابن شعبه حراني، حسين، تحف العقول، محل نشر: تهران، قمف ١٣٦٢.

۲۸. جمعی از نویسندگان، الأصول الستة عشر، ناشر: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث. سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۱.
۲۹. اشعث کوفی، محمد، الجعفریات، ناشر: مکتبه نینوی الحديثه، بی تا.
۳۰. شیخ حر عاملی، حسن، وسائل الشیعة، ناشر: آل البيت، ۱۴۱۴.
۳۱. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۵.
۳۲. ابن بابویه قمی، علی، الامامة و التبصرة من الحيرة، ناشر: مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
۳۳. نراقی، احمد، مستند الشیعه ، ناشر: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۵.
۳۴. ورام، مسعود بن عیسی، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، چاپ علی اصغر حامد، تهران، ۱۳۷۶.
۳۵. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ناشر: آل البيت، ۱۳۲۰.